FONTLAB FONT TABLE Nevisa

Font: IranianSans

10/7/2006 14:23

Page 1/1

					Ш	#	\$	%	&	I	()	*	+	4	•	ı	/	Ō	1	2	3	4
5	6	7	8	9	:	;	٧	=	^	?	(0)	[\]	^	- 1	/	{		}	}	¤	§
*	٦	0	₽		>>	÷	_	•			×		Ť			ı	€	I		0	,		?
n	-	•	1	۲	٣	٤	0	٦	٧	٨	مر	′.	/	,	,	,	0	1	۲	٣	4	S	۶
٧	Λ	مر	_		L	l]	J	ر	٠	W	ĸ	ላ•	ゞ	ڌ	۷	7	ゝ	۳	س	٤	{	ص
ص	٩	9	<u>.</u> هـ	کد	ط	ط	ري	ح	ų	2	9	9	প	۵	ٯ	ġ	v)	৸	ال ا	ک	7	ک	J
J	J	_	٤	é	Q	٥	כ	ن	9	٩	٥	đ	4	ę	ی	5	٦	ע	メ	Л		:	
		Þ	9	u	"	20	"	1	٩	1	Ų	0	1	£	ء	1	•	100	<i>A</i> QX	ريال	1	را"	گ
5	گ	۱—	u—	وه	ء ــ	ئ		ب	ة	ت	:)	نځ	IJ	خ	د	د.	7	۲.	3	ش	ص	و.	ه
ظ	ع	ڼ	6.	ق	٤	ل	٩	ن	٥	هٔ	و	S	ي	Î	پ	چ	ژ	ζ	گ	٥٥	ی	ا و	ĺ
پ	Ĺ	ٔد	።ኑ	چ	چ	چ	ላ [©]	ژ	ژ ر	ک	ک	2	ک	٥	á	ر	,	ی	ئ	ڌ	:⊱	£k	311
13	83	1/5	5-	ĺ	ĺ	s	ĺ	ί	اً	ٲ	ۇ	۴۰	ء ا	اء	ئ	ئ	ز	۲۰	ب	ŗ	٠,	٠,	ة
ة	(;	Ç.	ζ:	ï	ث	ث	ڗٛ	â	ج	ج	γ.	۲ .	ح	ح	>	ላ	خ	Ŋ.	٠٨	γ.	د	۲	ذ
ذ	ر	ノ	ز.	ょ	س	س	س	سـ	ش	ش	ش	₽	ص	ص	ص	ھ	ض	ض	ض	ۻ	ط	هـ	ط
ط	ظ	ظ	ظ	ظ	ع	ح	4		غ	نح	ю.	ż	ف	ف	ۏ	ė	ق	ق	ۊ	:q	٤	्र	5
ک	ل	J	J	Ţ	٩	Lo	۹	٨	ن	ن	ز	÷	٥	۵	۵	ę	6	Ą	ģ	φ,	9	٩	ی
ئ	ي	ئ	יר	∢ :	٦́	ĭ	لاً	払	لٍإ	ĬΤ	لاً	Ĭ	113	ű.	\la	9,3	બ્રા	<u>બુ</u> વ	311	q!	13	VI.	íú
83	10	્વ	31	q1	ou	ù	1	سى	سى	صی	ھى	شی	شی	ضی	ضی	ઠ	ئى	ઇ	ی.	تی	ي	کی	لی
	ડ.	6	ی	پی	ىي	نی	تی	ثی	بی	یی	پړ	•••	•	6	•	:	«	*	٧.	!	لاً	Ŋ	ۋ
ڨ	ثغ	ۋ	å	*		_	کی	کی	گی	گی	ئى	ئ	Ÿ										

FONTLAB FONT WATERFALL Nevisa

Font: IranianSans

10/7/2006 14:27

String: /uni0642.init/uni0644.medi/uni0645.fina/space/uni0645.init/uni064A.medi/uniFE8E/uni0646.init/uniFE8E/uni06CC.isol/space/uni0645.sizes: 5-36, 38, 40, 42, 48, 56, 64, 72

Page 1/2

.ت قلم میانای لینوکس فارسی 6. قلم میانای لینوکس فارسی 7. قلم میانای لینوکس فارسی 8. قلم میانای لینوکس فارسی 9 قلم میانای لینوکس فارسی .10 قلم میانای لینوکس فارسی .11 قلم میانای لینوکس فارسی 12 قلم میانای لینوکس فارسی .sı قلم میانای لینوکس فارسی AL قلم میانای لینوکس فارسی ۱۵ ـ15 قلم میانای لینوکس فارسی 6 قلم میانای لینوکس فارسی ₁₆ r قلم میانای لینوکس فارسی _{۱۲} ₃قلم میانای لینوکس فارسی ₃ ۵۰ قلم میانای لینوکس فارسی ∞قلم میانای لینوکس فارسی یقلم میانای لینوکس فارس*ی* 22 قلم مناناي لينوكس فارسي ∞قلم میانای لینوکس فارسی ₂قلم مبانای لینوکس فارسی ﷺ قلم میانای لینوکس فارسی 2. قلم مبانای لینوکس فارسی لىنوكس فارسى ₃قلم میانای ﷺ قلم میانای لینوکس فارسی لينوكس فارسي ∞قلم میانای "قلم میانای لینوکس فارسی قلم میانای لینوکس فارسی

FONTLAB FONT WATERFALL Nevisa

Font: IranianSans

String: /uni0642.init/uni0644.medi/uni0645.fina/space/uni0645.init/uni064A.medi/uniFE8E/uni0646.init/uniFE8E/uni06CC.isol/space/uni064

10/7/2006 14:28

Sizes: 5-36, 38, 40, 42, 48, 56, 64, 72

«قلم میانای لینوکس فارسی "قلم میانای لینوکس فارسی "قلم میانای لینوکس فارسی "قلم میانای لینوکس فارسی «قلم میانای لینوکس فارسی "قلم میانای لینوکس فارسی پقلم میانای لینوکس فارسی "قلم مياناي لينوكس "قلم مياناي لينوكس "قلم مياناي لينوكس ف قلم میانای لىنو قلم منانای لینو

ءُءِ أُآ اللّٰا اللّٰا أُا اللّٰا أُا اللّٰا أُلِّا أُلِّا أُلِّا أُلِّا أُلِّا أُلِّا أُلِّا لَا ح بِ بُب پُ پِ پُ پِ پُ پِ تُ تِ تُ تِ تُ تِ تُ تِ تِ ثُ ثِ شُ ثِ ثُ ثِ جُ جِ جُ جِ جُ جِ جُ جِ جُ جِ چُچ چُچ چُچ حُحِ حُحِ حُحِ خُخِ خُخِ خُـ خِـ خُـ خِـ سُ سِ ـس ُـس ـسُـ سِـ سُـ سِـ شُـ سِـ شُ شِ ـشُ ـش ِ ـشُـ شِـ شُـ شِـ صُ صِ ص ص ص ص ص ص ص ض ضِ حَنْ حَنِ حَدْ حَدِ ضُد ضِ طُ طِ طُ عِلْ طِ طُ عِلْ طِ ظُ طِ ظُ غُن خِ غُ غِ فُ فِ فُ فِ فُ فِ فُ فِ قُ قِ قُ قِ قُ قِ قُ قِ قِ کُ کِ کُ کِ کُ کِ گُ کِ گُ کِ گُ کِ گُ گِ گُ گِ لُ لَ لَ لُلِ لُلِ مُ مِ مُ مِ مُ مِ نُ نِ نَ نِ نَ نِ نُئنِ نُٰنِ هُهِ هُهِ هُهِ هُهِ يُ يُ يُ يُ يُ ئُ يُ ئُ ئُ ئُ ئُ ئُ ئُ ئُ ئُ ئُ بِي بِي بِي يُئُ بِي بِي تُئُ بِي عِي تُئُ حَيُّ تِي حِي ثُنُ خُنُ ثِي شِي خِي نَيْ خَيُّ نِي خِي سُيُ سَيُّ سِي سِي شَيْ عَشَىٰ شِي عَشِي صَيْ عَنْ عَنْ صِي عِنِ ضَيْ عَنْ ضِي غِي غَنِي لَيْ

نمونه جاگذاری اعراب در فونت Iranian Sans

لَيُ لِي لِي لِي مَّىُ مَى مِي مِي لاَ للْاللهِ لاَّ للَّا لِاللهِ لاَّ للَّا للَّا للَّا لاَّ للَّا لاَّ للَّ لِإِ

ییشگفتار

رَهَبَرِ رُوحانی یک پَنجُمِ مَردُمٍ دُنیا، از قدرت و نفوذ فراوانی برخوردار است. با وجودِ این، بسیاری در آغاز کار آلبینو لوچانی بسیاری در آغاز کار آلبینو لوچانی (Albino Luciani)، بعنوان پاپ ژان پل اوّل میتوانستند باور کُنند که وی ظرفیّت پذیرشِ چنین قدرتی را داشته باشد. کمرویی و تواضع این ایتالیایی ۶۵ سالهٔ آرام و کنند اقدامات وی در مقام پاپ، چندان کنند اقدامات وی در مقام پاپ، چندان جالب توّجه نخواهد بود؛ امّا آگاهان به مسائل پشت پرده، عقیدهای دیگر داشتند: بناهٔ هذا آلبینو لوچانی دست به ایجاد تحوّلی بزرگ، دست به یک انقلاب زده بود.

تا ۶ مهر ۱۳۵۷، سی و سه روز از رسیدن وی به مقام پاپی میگذشت. در این مدّت کم، اقدامات بسیاری را آغاز کرده بود که در صورت به نتیجه رسیدن، تأثیری مستقیم و عمیق بر زندگی همه میگُذاشت. بیشتر مردم دنیا، تصمیماتش را تحسین میکردند و عدّهٔ کمی هم، از آنها واهمه میداشتند. مردی که خیلی زود بعنوان «پاپ خندهرو» لقب گرفته بـود، قصد داشت روز بعـد، لبخنـد را از چهرههای بسیاری بزداید.

آنشب، لوچانی در اتاق غذاخوری طبقهٔ سوّم قصر اپوستولیک (Apostolic)، در واتیکانسیتی، (Vatican City) آمادهٔ صرف شام میشد. دو تن از وزرایش، او را همراهی می کردند: پدر دیگو لورتتسی که بیش از دو سال در دورهٔ سراسقفی لوچانی در ونیز، بعنوان اسقف با او همکاری نزدیک داشت و پدر جان مگی که بعد از انتخابش بعنوان پاپ، به او پیوسته بود. درحالیکه راهبههای ویژهٔ اقامتگاه پاپ، مضطربانه اینسو و آنسو میرفتند، آلبینو لوچانی، شام مختصری را که عبارت بود از سوپ ساده، گوشت گوساله، لوبیای تازه و مقداری سالاد، صرف کرد. به عِبارَةِ اُخرى او — درحاليكه جرعهجرعه از لیوان، آب مینوشید — به اتّفاقهای روز گذشته و تصمیمات اخیرش، میاندیشید. او اصلاً تمایلی به احراز این سمت نداشت و تلاشی هم برای بدست آوردن رأی، برای موفقیت در انتخابات نکرده بود. اکنون، با رسیدن به این مقام، مسئولیتهای زیادی بر دوشش بود.

در همان حال که خواهران روحانی: وینچنتزا، (Vincenza) کلورینـــدا

(Clorinda) و گابریتا (Gabrita) شام آن سه مسرد را میدادند و آنها نیز برنامهٔ اخبار تلویزیون ایتالیا را تماشا میکردند، مردان دیگری بشدّت نگران فعّالیتهای پاپ آلبینو لوچانی بودند.

یک طبقه پایینتر از اقامتگاه پاپ، چراغهای بانک واتیکان هنوز روشن بود. اسقف پل مارسینکوس، (Paul Marcinkus) رئیس بانک، مشغلههایی مهمتر از صرف شام داشت. مارسینکوس، متولد شیکاگو، تلاش برای بقا را در کوچه پس کوچههای محلّهٔ سالیسرو در اپلینویز که در تلألؤ خورشید آموخته بود. وی در طول مدت پیشرفت چشمگیر و خارقالعادهاش در رسیدن به ریاست خزانهٔ مالی کلیسا، لحظههای بحرانی بسیاری را پشت سر گذاشته بود و اکنون وارد جدّیترین میدان مبارزه در تمام عمرش میشد. در طی سی و سه روز گذشته، همکاران او در بانک، تغییرهای فاحشی را در رئیس و حافظ میلیونها دلار دارایی واتیکان مشاهده میکردند. آن هیکل ۱۸۰ سانتیمتری و تنومند که به دیگران فخر میفروخت، تبدیل به موجودی عبوس و درهم فرورفته شده بود. لاغری و پریدگی رنگش کاملاً بچشم میخورد. واتیکانسیتی از بسیاری جهات به دهکدهای شبیه است و اسرار، معمولاً در دهکدهها مخفی نمیماند. خبر به گوش مارسینکوس هم رسیده بود که پاپ جدید، مخفیانه به بررسی امور بانک واتیکان و بخصوص، روشهای مدیریت وی پرداخته است. از آغاز دورهٔ پاپ جدید، مارسینکوس بارها در مورد معاملهاش در سال ۱۳۵۱ با بانکا کاتولیکا دلونتو (Banca Cattolica del Vento) احساس

کاردینال ژان ویلو، وزیر امور خارجهٔ واتیکان، مرد دیگری بود که آنشب هنوز پشت میز کارش نشسته بود. او فهرستی از ملاقاتها، برکناریها و نقل وانتقالهایی را که یکساعت قبل پاپ به او داده بود، ورانداز میکرد. توصیهها، استدلالها و حتّی جرّ و بحث او نیز، هیچ اثری در پاپ نگذاشت. لوچانی، چون سنگ خارا، سخت بود.

پشیمانی کرده بود.

آنچه که لوچانی میخواست انجام دهد، با هر معیاری، تحوّلی بسیار اساسی بود. تصمیمات او کلیسا را در مسیری تازه قرار میداد؛ مسیری که ویلو و دیگرانی که قرار بود برکنار شوند، آن را خطرناک میدانستند. بدنبال اعلام رسمی این تحوّلات، تجزیه و تحلیلها، فلسفهبافیها، تفسیرها و توضیحات رسانههای

گروهی دنیا آغاز میشد؛ هرچند که واقبیات هرگز ارائه نمیگردید. آنچه را که افکار عمومی از آن بیخبر میماند، وجه اشتراکی بود که ویلو و دیگران در آن سهیم بودند و همان، سبب برکناریشان بود. ویلو آن مسئله را میدانست و مهمتر اینکه پاپ هم از آن اطّلاع داشت. البتّه این مسئله، یکی از عواملی بود که سبب شد پاپ وارد عمل شود و آنها را از قدرت واقعی برکنار نماید و در مقامهای نسبتاً بیخطرتری قرار دهد. این وجه اشتراک فراماسونری بود.

پاپ مدارکی در دست داشت که نشان میداد بیش از صد فراماسون (از کشیش گرفته تا حتی کاردینال) در واتیکان حضور دارند. این در حالی بود که قانون کلیسا عضویت در فراماسونری را برابر با مطرود شدن از جامعهٔ روحانیت میدانست. آنچه فکر لوچانی را بیشتر به خود مشغول میداشت، وجود یک مجمع فراماسونری غیرقانونی بود که در راه کسب ثروت و قدرت، نفوذش را در سرزمینهای ورای ایتالیا گسترش میداد. از نظر او، این مجمع کردینالها، مطرود (معروف به پی-۲) بدلیل ارتباطش با کشیشها، اسقفها و حتی کاردینالها، مطرود شماده هاشد.

ویلو، حتّی قبل از این تصمیمگیریهای شدید نیز، نگران دوران فرمانروایی پاپ جدید بود. او از معدود افرادی بود که از موضوع مکالمهٔ میان پاپ و وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داشت و میدانست که در اوّل آبان، هیئتی از کنگرهٔ آمریکا وارد واتیکان خواهد شد و روز دوم آبان، با پاپ مذاکرهای خصوصی دربارهٔ روشهای جلوگیری مصنوعی از حاملگی خواهد داشت.

ویل و با دقّ ت پروندهٔ آلبینو لوچانی را در واتیکان بررسی کرده بود. او همچنین یادداشتهای سرّی ارسالی لوچانی برای پاپ پل ششم را — در دورهای که اسقف ویتوریو ونتو بود — خوانده بود. این یادداشتها، به زمان قبل از اعلام فتوای حیات بشریت بر از استفاده از هرگونیه روش جلوگیری مصنوعی از بارداری، منع شده بودند. مصنوعی از بارداری، منع شده بودند. ابهامی دربارهٔ موضع پاپ در این جریان باقی انهاسی دربارهٔ موضع پاپ در این جریان باقی تصمیمات اجرایی پاپ جدید نیز در این باره، نقطهٔ ابهامی وجود ندارد. تحوّلی بسیار نقطهٔ ابهامی وجود ندارد. تحوّلی بسیار اساسی در مواضع واتیکان در شرف وقوع

بود؛ تحوّلی که از نظر ویلو و گروهی دیگر به معنی خیانت به پل ششم تلّقی میشد. البتّه بسیاری نیز آن را در آینده، بزرگترین همراهی کلیـسا بـا افکـار حـاکم بـر قـرن بیـستم میخواندند.

با غروب آفتاب روز ششم مهر ۱۳۵۷ در بوئنوس آیرس، بانکدار دیگری به نام روبرتو کالوی، نگران فعّالیتهای پاپ ژان پل اوّل بود. طی هفتههای گذشته، او فعّالیتهای پاپ جدید را، با حامیانش لیچو جلّی و اومبرتو اورتولانی مطرح کرده بود. او بعنوان رئیس هیئت مدیرهٔ بانک آمبرو زیانو، کاملاً در اختیار و زیر نفوذ این دو تن قرار داشت. حـتی قبل از اینکه آلبینو لوچانی بر تخت فرمانروایی سن پیتر بنشیند، کالوی با مشکلات بسیاری مواجه بود. بانک ایتالیا، از ماه فروردین به بعد، بطور مخفیانه در حال تحقیق و بررسی شعبهٔ بانک کالوی در میلان بود. این اقدام در اواخیر سال ۱۳۵۶، در نتیجهٔ چسباندن اعلامیهها، جزئیات بعضی از فعّالیتهای جنایتکارانهٔ کالو، بعنوان بخشی از یک سلسله جنایتهای بینالمللی فاش شده

کالوی از پیشرفت تحقیقات بانک ایتالیا، بخوبی آگاه بود.
دوستی صمیمانهاش با لیچوجلّی، باعث میشد که از
پیشرفت روزانهٔ کار مطّلع شود. وی همچنین به همان نسبت،
از تحقیقات پاپ در بانک وایتکان آگاه بود و مانند
مارسینکوس، میدانست که پس از مذّتی این دو تحقیق
مستقل، به این نتیجه میانجامد که این دو امپراتوری مالی
چه ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. وی با استفاده از حداکثر
قدرتش، از هیچ کوششی برای جلوگیری از تحقیقات بانک
ایتالیا و حمایت از امپراطوری مالیش فروگذار نمیکرد. او در
شرف انجام یک اختلاس یک میلیارد دلاری بود.

تجزیه و تحلیل دقیق وضعیت روبرتـو کالوی در مهـر ۱۳۵۷، این مسئله را کاملاً روشـن میکند کـه چنانچـه مـرد شـریفی جانشین پاپ پل ششم میشد، آنگاه کالوی با ورشکـستگی و فروپـاشی بانـک و در نتیجـه محکومیـت بـه حـبس روبـرو میگردید. شک نبود که آلبینو لوچانی چنین مردی بود.

میکله سیندونا، بانکدار سیسیلی در نیویورک نیز با نگرانی، فغالیتهای پاپ ژان پل اوّل را تحت نظر داشت. مدت سه سال بود که سیندونا در برابر تلاشهای دولت ایتالیا برای استرداد وی مقاومت میکرد. دولت ایتالیا، خواستار انتقال وی به میلان بود تا در مورد یک کلاهبرداری بیش از ۲۲۵ میلیون دلاری، محاکمهاش کند. در اوایل همان سال، در ماه اردیبهشت، بالاخره معلوم شد که سیندونا این مبارزهٔ طولانی را باخته است؛ زیرا طبق رأی یک قاضی فدرال، استرداد سیندونا به ایتالیا لازم الاجرا شد.

وی با مبلغ سه میلیون دلار ضمانت، آزاد گردید. در همین زمان، وکلایش آماده میشدند تا برگ آخر را بازی کنند. آنها از دولت آمریکا، مدرک موجّهی برای توجیه این استرداد خواستند. سیندونا میگفت به عقیدهٔ او، این اتّهامات، توطئتهٔ کمونیستها و سیاستمداران دیگر جناحهای چپ بوده است. وکلایش نیز اظهار میداشتند که دادستان میلان، مدرکی که میتواند سیندونا را تبرئه کند، پنهان نصوده و اگر او به ایتالیا بازگردد، بیقین بقتل خواهد رسید. جلسهٔ دادگاه به ماه آبان موکول شد.

در آن تابستان، در نیویورک افراد دیگری نیز به نفع میکله سیندونا فقالیت میکردند؛ مثلاً یکی از اعضای مافیا و قاتلی حرفهای به نام لوییچی رونسترواله که نیکولا بیازه را تهدید میکرد. بیازه در دادگاه علیه سیندونا شهادت داده بود. مافیا، همچنین برای کشتن جان کنی دستیار دادستان آمریکا و بازپرس ارشد پروندهٔ استرداد سیندونا، مبلغ یکصد هزار دلار تعیین کرده بود.

اگر پاپ ژان پل اوّل، به کنکاش در امور بانک واتیکان ادامـه میداد. هـیچ مبلـغ هنگفـتی از جانـب مافیـا نـمیتوانـست بـه

سیندونا برای عدم استرداد به ایتالیا کمک کند. شبکهٔ فساد در بانک واتیکان — که شامل انتقال پول مافیا هم از طریق این بانک میشد — غیر از کالوی شخص دیگری را نیز رسوا میکرد و آن شخص، میکِله سیندونا بود.

در شیکاگو، شاهزادهٔ دیگری از کلیسای کاتولیک نیز نگران اتفاقات واتیکان بود: کاردینال جان کودی، فرمانروای شروتمندترین اسقفیهٔ جهان. کودی بر بیش از ۲/۵ میلیون کاتولیک، ۳۰۰۰ کشیش و بیش از ۴۵۰ بخش با درآمد سالانهٔ هنگفت حکمرانی می کرد. وی از آشکار کردن کل مبلغ درآمد اسقفیهٔ خود امتناع می ورزید. مبلغ مذکور، درحقیقت بیش از خلافهای او را شامل میشد. تا سال ۱۳۵۷، سیزده سال از حکمرانی کودی بر کلیسای شیکاگو میگذشت و نارضایتی مردم از وی به اوج خود رسیده بود. پاپ پل، سالها برای برکناری او تحت فشار بود. حتی یکبار عزم خود را برای برکناریش جزم کرد؛ امّا در آخرین لحظات تصمیم خود را

در اوایل مهر، کودی پیامی تلفنی از رم دریافت کـرد. رازی از دهکدهٔ واتیکان به بیرون درز میکرد؛ رازی از مجموعهٔ اسرار پشت پرده کـه او سـالها بـرای دریافتـشان مبـالغ هنگفـتی را پرداخت میکرد. در این پیام به او اطلاع دادند که آنچـه پـاپ پل نتوانـست انجـام دهـد. ژان پـل انجـام داد. پـاپ تـصمیم گرفته بود که کاردینال ژان کودی را برکنار نماید.

حداقل سه تن از مردان نامبرده، در سایهٔ قدرت شخص دیگری قرار داشتند. لیچو جلّی. به او لقب «ارباب دست نشاندگان» داده بودند؛ دست نشاندگانی که تعدادشان زیاد بود و در بسیاری از کشورها گمارده شده بودند. P-۲ در اختیار جلّی بود و از این طریق ایتالیا را تحت نفوذ خود داشت. ارباب دست نشاندگان، بتازگی در بوئنوس آیرس — شهری که در آن با کالوی دربارهٔ مسئلهٔ پاپ جدید به گفتگو مشغول بود — بازگشت پیروزمندانهٔ ژنرال پرون را به مسند قدرت فراهم کرده بود و پرون نیز به پاس خدمات او در جلوی پایش زانو زد. اگر بر اثر اقدامات آلبینو لوچانی، خطری مارسینکوس، سیندونا یا کالوی را تهدید می کرد، خطری مارسینکوس، سیندونا یا کالوی را تهدید می کرد، منافع جلّی نیز ایجاب می کرد که از آنها رفع خطر کند.

در آن روز ششم مهر ۱۳۵۷، بوضوح روشن بود که این شش مرد: مارسینکوس، ویلو، کالوی، کودی، سیندونا و جلّی از ادامهٔ کار ژان پل اوّل بعنوان پاپ، وحشت دارند و باز روشن بود که همهٔ آنها میتوانند از راههای مختلفی قدرت خـود را حفظ کننـد؛ اگـر، پـاپ ژان پـل اوّل بطـور ناگهـانی

و او مرد.

در فاصلهٔ شامگاه ششم مهر و سحرگاه هفتم مهر ۱۳۵۷، سی و سه روز پس از انتخابش به مقام پاپ ژان پل اوّل، آلبینو لوچانی مرد.

زمان مرگ: نامعلوم. علت مرگ: نامعلوم

من معتقدم که رویدادها و شرایطی که در این کتاب شرح داده شدهاند، بیانگر حقیقت راز مرگ آلبینو لوچانی است و بر این باورم که یکی از این شش مرد، در ادامهٔ یک سلسله برنامهریزیها، غروب روز ششم مهر ۱۳۵۷ دست به اقدامی زد تا مشکلات ایجادشده توسط پاپ جدید را حل کند. یکی از همین شش مرد، در قلب توطئهای قرار داشت که «راه حل ایتالیایی» را مؤثّر میدانست.

آلبینو لوچانی در چهارم شهریور ۱۳۵۷، به سمت پاپ برگزیده شد. اندکی بعد از پایان جلسهٔ مطرانها. کاردینال انگلیسی باسیل هیوم به خبرنگاران گفت: «تصمیم، غیرمنتظره بود؛ امّا آنگاه که گرفته شد، کاملاً بحق مینمود. این احساس که او درست همان شخص مورد نظر است، چنان در همهٔ وجود داشت که میتوان گفت بی شک او نمایندهٔ خداست.»

سی و سه روز بعد، «نمایندهٔ خدا» مرد.

آنچه در این مجموعه میآید، حاصل سه سال بررسی و تحقیق مستمر، دربارهٔ آن مرگ اوست. برای انجام چنین تحقیقی، لازم بود برای خود ضوابطی را تعیین کنم: داستان را باید از ابتدا شروع کرد. متونی معرفی شود و سپس توضیحاتی دربارهٔ خصوصیات اخلاقی آلبینو لوچانی ارائه

پیسخمتار رَهَبَرِ رُوحانی یک پَنجُم مَردُم دُنیا، از قدرت و نفوذ فراوانی برخوردار است. با وجود این،

بسیاری در آغاز کار آلینیو امراح این (مدتات فاود موردس فروسور) برخورد بین. بسیاری در آغاز کار آلینیو لوچانی (Abino Luciani) بخیه (مالی باپ آزان پل اول قدرتی را داشته باشد. کمرویی و تواضع این ابتالیایی ۴۵ سالهٔ آزام و کوچک اندام، موجب میشد تا بسیاری تصوّر کنند اقدامات وی در مقام پاپ، چندان جالب توّجه نخواهد بود: امّا آگاهان به مسائل پشت پرده، عقیدهای دیگر داشتند: بَناهٔ هذا آلینو لوچانی دست به ایجاد تحوّل بزرگ، دست به یک انقلاب زده بود.

تا ۶ مهر ۱۳۵۷، سی و سه روز از رسیدن وی به مقام پاپی میگذشت. در این مدّت کم، اقدامات بسیاری را آغاز کرده بود که در صورت به نتیجه رسیدن، تـآثیری مستقیم و عمیق بر زندگی همه میگذاشت، بیشتر صردم دنیا، تصمیمانش را تحسین میکردند و عـدّهٔ کمی هم، از آنها واهمه میداشتند، مردی که خیلی زود بعنوان «پاپ خندهرو» لقب گرفته بـود، قصد داشت روز بعد لبخند را از چهرمهای بسیاری برنوای

آتشب، لوچانی در اتاق غذاخوری طبقهٔ سوّم قصر اپوستولیک (Apostolic)، در و ارتفانیسیم، از (Apostolic)، در و ارتفانیسیم، از امراهی می شد. دو تن از وزرایش، او را همراهی می کردند: پدر دیگر فورتشدی که بیش از دو سال در دورهٔ سراسقف لوچانی در ونیز، میکرد داشت و پدر جان مگی که بعد از انتخابش بینوان پاپ، بینوان پاپ، به لو پیوسته بود. درحالیکه واهیمای بوزهٔ اقامتگاه پاپ، مضطرباته اینسو و آنسو می رفتند، اینیا فورتش مختصری را که عبارت بود از سوپ ساده، گوشت گوساله، لویبای تازه و مقداری سالاد، صرف کرد. به عبارهٔ آخری او — درحالیکه جرعهجرعهٔ از لیوان، آب میانوشید . او اصلا تمایلی به میتوشید سه به اتفاظهای روز گذشته و تصمیمات آخریش، میاندیشد، او اصلا تمایلی به احراز این سمت نداشت و تلاشی هم برای بدست آوردن راقی، برای موفقیت در انتخابات

در همان حال که خواهران روحانی: وینچنترا، (Vincenza) آسونتا، (Asonta) کلوریند ا (Clorinda) و گابریتا (Gabrita) شام آن سـه مـرد را میدادنـد و آنهـا نیـز برنامـهٔ اخیـار تلویزیون ایتالیا را تماشا میکردند، مردان دیگری بشدّت نگران هٔنالیتهای پاپ آلیبنو لوچـانی

یک طبقه پایین تر از اقامتگاه پاپ، چراغهای بانک وانیکان هنوز روشن بود. اسقف پل مارسیکوس، آخر اشراف ارشت. مارسیکوس، آخره شیاک داشت. مارسیکوس، آخره شیاک رفتشد آخرون بر تا برای بقا را در کوچه بس کوچهای میداش اسالسرو در خارهالماده اش در رسیدن به در پاست خزائم های کلیسا، لحظهمای بحرانی بسیاری را پشت سر گذاشته بود و اکنون وارد جدّیترین میدان میازه در تمام عمرش میشد. در طی سی سر کذاشته بود و اکنون وارد جدّیترین میدان میازه در تمام عمرش میشد. در طی سی می می فروخت تم بدیگران مشاهده می کردند. آن هیکل ۱۸۰ سالتیمتری و تتومند که به دیگران فخر دارایی واتیکان مشاهده می کردند. آن هیکل ۱۸۰ سالتیمتری و تتومند که به دیگران فخر می می فروخته شده بود. لاغری و بریدگی رنگش میمولا در دهکدها مخفی نمیماند. خبر به گوش مارسینکوس هم رسیده بود که پاپ عبدید، مخفیانه به بردرس امو را بانک و اتیکان و بخصوص، روشهای مدیریت وی پرداخته است. از آغاز دروهٔ پایت جدید، مارسیانه به دید در سال ۱۳۵۸ با است. از آغاز دروهٔ پایت جدید، مارسیانه (اهدار مورد مساله) در در سال ۱۳۵۸ با است. از آغاز دروهٔ پایت جدید، مارسیانه (اهدار مورد سال ۱۳۵۸) اساست. از آغاز دروهٔ پایت جدید، مارسیانه (اهدار مورد سال ۱۳۵۵) است. از آغاز دروهٔ پایت جدید، مارسیانه (اهدار مورد سال ۱۳۵۵) اساست. از آغاز دروهٔ پایت جدید، مارسیانه (اهدار مورد بود.

کاردینال ژان ویلو، وزیر امور خارجهٔ واتیکان، مرد دیگری بـود کـه آنـشب هنـوز پـشت میـز کارش نشسته بود. او فهرســـّی از ماقانها، برکناریها و نقل وانتقالهایی را کـه یکـساعت قبـل پاپ به او داده بود، ورانداز میکرد. توصیهها، استدلالها و حقّ جرّ و بحث او نیز، هیــِع اثـری در پاپ گذاشت، لوچان، چون سنگ خارا، سخت بود.

آنچه که لوچانی میخواست انجام دهد، با هر معیاری، تحوّلی بسیار اساسی بود. تصمیمات او کلیسا را در مسیری تازه فرار میدادا عسیری که ویلو و دیگرانی که قرار بود برکنار شوند، آن را خطرناک میدانستند. بدنبال اعلام رسمی این تحوّلات، تجزیه و تحلیلها، فلسفه ایلهها، تضییرها و توضیحات رسانههای گروهی دنیا آغاز می شد؛ هرچند که واقعیات هرگز ارائه نمی گردید. آنچه را که افکار عمومی از آن بیخبر میماند، وجه اشتراکی بود که ویلو و دیگران در آن سهیم بودند و همان، سبب برکناریشان بود. ویلو آن مسئله را میدانست و مهمتر اینکه پاپ هم از آن اظلاع داشت. البئه این مسئله، یکی از عواملی بود که که سبب شد پاپ وارد عمل شود و آنها را از قدرت واقعی برکنار نماید و در مقامهای نسبتا بیخطرتری قرار دهد. این وجه اشتراک فراماسونری بود.

پاپ مدارکی در دست داشت که نشان می داد بیش از صد فراماسون (از کشیش گرفته تا حگی کاردیبان) در وانیکنان حضور دارند. این در حالی بدود که قانون کلیسنا عضویت در فراماسونری را برابر با مطرود شدن از جامعهٔ روحانیت می دادست، آنچه فکر لوچانی را بیشتر به خود مشغول می دادشت، وجود یک مجمع فراماسونری غیرقانونی بدود که در راه کسب ثروت و قدرت، نفوذش را در سرزمینهای ورای ایتانیا گسترش می داد. از نظر او، این مجمع (معروف به پی-۲) بدلیل ارتباطش با کشیشها، استفدها و حتّی کاردینالها، مطرود شعرده می شد.

ویلو، حتّی قبل از این تصمیمگیریهای شدید نیز، نگران دوران فرمانروایی پاپ جدید بود. او از معدود افرادی بود که از موضوع مکالمهٔ میان پاپ و وزارت امور خارجه آمریکا اطلاع داشت و میدانست که در اوّل آبان، هینتی از کنگرهٔ آمریکا وارد واتیکان خواهد شد و روز دوم آبان، با پاپ مذاکرهای خصوصی دربارهٔ روشهای جلوگیری مصنوعی از حاملگی خواهد

ویلو با دقت پروندهٔ آلبینو لوچانی را در واتیکان بررسی کرده بود. او همچنین یادداشتهای سرتی ارسالی لوچانی برای پال ششم را – در دورهای که استفاق وپتوریو و تتو بود — خوانده بود. این یادداشتها به زمان قبل از اعلام قنوای حیات بشریت بر میگشت که بر اساس آن، مسیعیان کاتولیک از استفاده از مرکونه روش جلوگیری مصنوعی از بارداری، منع شده بودند، صحیتهای خود او با لوچان نیز برایش نقطهٔ ایهامی دربارهٔ موضع پاپ در این جریان باقی کوشاشته بود و میدانست که در زمینهٔ تصمیمات اجرایی پاپ جدید نیز در این جریان باقی کوشاشته بود و میدانست که در زمینهٔ تصمیمات اجرایی پاپ جدید نیز در این جریان باقی کوشاشته بود کوشاشت به پل سشم تلقی میشد. البته بود: تحوّلی بسیاری نیز تران را در آیننده، بزرگترین همراهی کلیسنا بنا افکار حاکم بر قدرن بیستم سیداد: اند

با غروب آفتاب روز ششم مهر ۱۳۵۷ در بوشوس آیرس، بانکدار دیگری به نام روبرتو کالوی، نگران فقالیتهای پاپ ژان پل اوّل بود. طی هفتههای گذشته، او فقالیتهای پاپ جدید را، با حامیانش لیچو جنّی و امتیار و زیر نفوذ این دو تن قرار داشت. حتّی قبل از اینک بانک آمیرو زبانو، کاملاً در اختیار و زیر نفوذ این دو تن قرار داشت. حتّی قبل از اینک آلیبو لوچانی بر تخت فرماتروایی سن پیتر بیشید، کالوی با مشکلات بسیاری مواجه بود. بانک ایتالیا، از ماه فروردین به بعد، بطور مخفیانه در حال تحقیق و پررسی شعبهٔ پانک کالوی در میلان بود. این اقدام در اواخر سال ۱۳۵۶، در نتیجهٔ چسیاندن اعلامیههایی به مخالفت علیه کالوی آغاز شد. در این اعلامیها، جزئیات بعض از فقالیتهای جنایتکارانهٔ کالو، پعنوان بخشی از یک سلسله جنایتهای بین العلامیها

نمونه فونت Iranian Sans سایزهای ۸، ۶ و ۴

کالوی از پیشرفت تحقیقات بانک ایتالیا، بخوبی آگاه بود. دوستی صمیمانهاش با لیچوجلّی، باعث میشد که از پیشرفت روزانهٔ کار مقالع شود. وی همچنین به همان نسبت، از مذّت تحقیقات پاپ در بانک وایتکان آگاه بود و مانند مارسینکوس، میدانست که پس از مذّت پایدیگر دارند. وی با استفاده از حداکثر قدرتش، از هیچ کوششی برای جلوگیری از تحقیقات بانک ایتالیا و حمایت از امپراطوری سالیش فروگذار نمی کرد. او در شرف انجام یک اختلاس یک میلیارد داری بود.

تجزیه و تحلیل دقیق وضعیت روبرتو کالوی در مهر ۱۳۵۷، این مسئله را کاملاً روشــن میکنـد که چنانچه مرد شــریفی جانشین پـاپ پـل شـشم میشـد، آنکـاه کالوی بـا ورشکـسنگی و فروباشی بانک و در نتیجه محکومیت به حبس روبرو میگردید. شک نبـود کـه آلبینـو لوچـانی چنین مزدی بود.

میکله سیندونا، بانکدار سیسیلی در نیورورک نیز با نگرانی، فقالیتهای پاپ ژان پل اوّل را تحت نظر راشت. مندت سف سال بود که سیندونا در برابر تلاشهای دوت ایتالیا براث استرداد وی مقاومت می کرد. دولت ایتالیا، خواستار انتقال وی به میلان بود تا در مردر یک کلاهبرداری بیش از ۲۵ میلیون دلاری، محاکمه اش کند. در اوایل همان سال، در ماه رادیبهشت، بالاخره معلوم شد که سیندونا این مبارزهٔ طولانی را باخته است؛ زیرا طبق رأی یک قاضی فدرال، استرداد سیندونا به ایتالیا لازمالاخرا شد.

وی با مبلغ سه میلیون دلار ضمانت، آزاد گردید. در همین زمان، وکلایش آماده می شدند تا برگ آخر را بازی کنند. آنها از دولت آمریکا، مدرک موجّهی برای توجیه این استرداد خواستند، سیندونا می گفت به عقیدهٔ او، این آنهامات، توطئهٔ کمونیستها و سیاستمداران دیگر جناحهای چپ بوده است. وکلایش نیز اظهار میداشتند که دادستان میلان، مدرکی که می تواند سیندونا را تربهٔ کند، پنهان نموده و اگر او به ایتالیا بازگردد، بیقین بقتل خواهد رسید. جلسهٔ دادگاه به ماه آبان موکول شد.

در آن تابستان، در نیویورک افراد دیگری نیز به نفع میکله سیندونا فقالیت میکردند؛ مثلاً یکی از اعضای مافیا و قاتلی حرفهای به نام لوبیجی رونسترواله که کنیکولا بیازه را تهدید میکرد. بیازه در دادگاه علیه سیندونا شهادت داده بود. مافیا، همچنین برای کشتن جان کنی دستیار دادستان آمریکا و بازپرس ارشد پروندهٔ استرداد سیندونا، مبلغ یکمند هزار دلار تعیین کرده بود.

اگر پاپ ژان پل اول، به کنکاش در امور بانک واتیکان ادامه میداد. هیچ میلغ هنگفتی از جانب مافیا نمیتوانست به سیندونا برای عدم استرداد به ایتالیا کمک کنند. شبکهٔ فساد در بانک واتیکان — که شامل انتقال پول مافیا هم از طریق این بانک میشد — غیر از کالوی شخص دیگری را نیز رسوا میگرد و آن شخص میکله سیندونا بود.

در شیکاگو، شاهزادهٔ دیگری از کلیسای کاتولیک نیز نگران اثقاقات واتیکان بود: کاردینال جان کودی، فرمانروای گروتمندترین استفیهٔ جهان، کودی بر بیش از ۱/۵ میلیون کاتولیک، •••(۳۰ کشیش و بیش از ۱/۵۰ بخش با در آمد سالانهٔ هنگفت حکمرانی میکرد. وی از آشکار •••(۵۰۰-۲۰ دلار بود. پنهانکاری در امور مالی تنها یکی از خلافهای او را شامل میشد. تا سال ۱/۵۷۷، سیزده سال از حکمرانی کودی بر کلیسای شیکاگو میگذشت و نارشایتی مردم از وی به اوج خود رسیده بود، پاپ پل، سالها برای برکتاری او تحت فشار بود. حق یکبار عرّم خود را برای برکتاریش چرخ کرد؛ آغا در آخرین لحظات تصمیم خود را تغییر داد.

در اوایل مهر، کودی پیامی تلغی از رم دریافت کبرد. رازی از دهکدهٔ واتیکان به بیبرون درز میکرد: رازی از مجموعهٔ اسرار او بشت پرده که او سالها بنرای دریافتشان مبالغ هنگذیی را پرداخت میکرد: در راین پایه باه اطلاع دادند که آنچه پاپ پل تنوانست انجام دهد. ژان پل انجام داد، پای تصمیم گرفته بود که کاردینائر ژان کودی را برکناز نماید.

حداقل سه تن از مردان نامبرده، در سایهٔ قدرت شخص دیگری قرار داشتند. لیچو جلّی. به او تشب «دارت دستنشاندگانی» داده بود دو در سستنشاندگانی که تندادشان زیاد بود و در بسیاری از کشورها گمبارده شده بودند؛ ۲۰۰۰ در اختیار جلّی بود و از این طریق ابتالیا را تحت نفوذ خود داشت. (راب دستنشاندگان، بتازگی در پرتوس آیرس — شهری که در پرون دارهٔ مسئلهٔ پاپ جدید به گفتگو مشغول بود — بازگشت پیروزمندانهٔ ژنرال پروز را به مسئد قدرت فراهم کرده بود و پرون نیز به پاس خدمات او در جلوی پاپش ژانو در. اگر بر اثر اقدامات آلیات لوچانی، خطری مارسینکوس، سیندونا یا کالوی را تهدید میکرد، کو از آنها رفه خطر کند.

در آن روز ششم مهر ۱۳۵۷، بوضوح روشن بود که این شش مبرد: مارسینکوس، ویلو، کالوی، کودی، سیندونا و چلّی از ادامهٔ کار ژان پیل اوّل بینوان پاپ، وحشت دارند و باز روشن بود که همهٔ آنها می توانند از راههای مختلفی قدرت خود را حفظ کنند؛ اگـر، پاپ ژان پا اوّل بطور ناگهانی میمرد.

او مرد.

در فاصلهٔ شامگاه ششم مهر و سحرگاه هفتم مهر ۱۳۵۷، سی و سه روز پس از انتخابش به مقام پاپ ژان پل اوّل، آلبینو لوچانی مرد.

زمان مرگ: نامعلوم. علت مرگ: نامعلوم

من معقدم که رویدادها و شرایطی که در این کتاب شرح داده شدهاند، بیانگر حقیقت راز مرک آلبینو لوچانی است و بر این باوم که یکی از این شش مرد، در ادامهٔ یک سلسله برنامهریزیها، غروب روز ششم مهر ۱۳۵۷ دست به اقدامی زد تا مشکلات ایجادشده ترصط پاپ جدید را حل کند. یکی از همین شش مرد، در قلب توطئهای فرار داشت که «راه حل ایتالیایی» را مؤثر میدانست.

آلیینو لوچانی در چهارم شهریور ۱۳۵۷، به سیمت پیاپ برگزیده شد. اندکی بعد از پایان جلسهٔ مطرانها. کاردینال انگلیسی باسیل هیوم به خبرنگداران گفت: «تصمیم، غیرمنتظره بود: امّا آنگاه که گرفته شد، کاملاً بحق می نمود. این احساس که او درست همان شخص معرور نظر است، چنان در همهٔ وجود داشت که میتوان گفت بی شک او نمایندهٔ خداری: ما

سی و سه روز بعد، «نمایندهٔ خدا» مرد.

آنچه در این مجموعه میآید، حاصل سه سال بررسی و تحقیق مستمر، دربارهٔ آن مرگ اوست. برای انجام چنین تحقیقی، لازم بود برای خود ضوابطی را تعیین کتم: داستان را باید از آیند اشروع کرد. متونی معرفی شود و سپس توضیحاتی دربارهٔ خصوصیات اخلاقی آلبیتو امداد، ادائه کاد: